

تزلزل خانواده در بستر فقر از منظر فقه

معصومه شرف‌الدین الموسوی^۱

چکیده

یکی از مهمترین مسائل علم فقه و جامعه، مسئله تزلزل خانواده در بستر فقر از منظر فقه است. در عصر کنونی که ساختار خانواده با توجه به بحران معنا، تغییر و تحول اساسی یافته است تنها فقر اقتصادی برای خانواده یک تهدیدی جدی نیست بلکه فقر دینی، فقر اخلاقی، فقر اجتماعی و فرهنگی بیش از فقر مالی باعث فروپاشی خانواده شده است. هدف از نوشتار حاضر آگاه‌سازی و ارتقای خانواده در این مسئله است که هر نوع بستر فقر، نقش مؤثری در تزلزل خانواده دارد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فقهای امامیه در ارتباط خانواده با فقر و تأثیر آن، بیشتر در باب فقر اقتصادی و اجتماعی تمرکز داشته‌اند. در بخش فقر روحی و معنوی به فقر اخلاقی و فقر دینی اشاره می‌شود و از آنجا که رویکرد فقهی است، مصادیق سوء معاشرت به نوعی فقر اخلاقی را به همراه دارد و دسته‌بندی براساس آن انجام شده است. در فقر دینی، عدم کفویت و معنویت مطرح است. فقر اقتصادی و فقر اجتماعی با توجه به آیه: «الرجال قوامین على النساء» و «قو انفسکم اهلیکم» و قاعده لاضرر چنین فقری که منجر به تزلزل خانواده می‌شود مذموم شمرده شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، فقر اخلاقی، فقر اقتصادی، فقر اجتماعی، فقر دینی.

^۱. دانش پژوه سطح چهار فقه خانواده از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفیٰ ص العالمیه، قم، ایران.

خانواده مانند دژ استوار و نهادی مقدس، دارای جایگاهی اساسی بوده و بیشترین مسئولیت را در رشد، تحول و سعادت انسان برعهده دارد. اساس تشکیل خانواده در نظام الهی، رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، پیمودن راه رشد، نیل به کمال انسانی و تقرب به ذات حق است. دستیابی به این اهداف به بستر امن و آرام در خانواده نیاز دارد. فراهم شدن بستری که زمینه را برای ناامنی در خانواده ایجاد می‌کند، خانواده‌ای را متزلزل کرده و تزلزل جامعه را هم به دنبال دارد. یکی از بسترهای ناامن، بستر فقر در خانواده است. تحقیقات ریشه بسیاری از تزلزل در خانواده را در بستر فقر می‌دانند. بنابراین، ضرورت دارد فقری که در بستر اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و دینی، باعث تزلزل خانواده می‌شود، بررسی شود تا با آگاه‌سازی از اهمیت نقش فقر در فروپاشی خانواده، خود را در برابر آن بیمه کنند و خانواده امن تحویل جامعه دهند. در مورد تزلزل خانواده مقاله‌های قابل توجه‌ای نوشته شده است، اما بیشتر در زمینه جامعه‌شناسی، ارزیابی شده است. از این رو پژوهش حاضر درصدد تبیین و یافتن تزلزل خانواده در بستر فقر از منظر فقه است تا خلأ دانش و نظری در این زمینه برطرف و راه‌کارهای غلبه بر این نوع تزلزل بیان شود.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله مدون و مستقلی با موضوع تزلزل خانواده در بستر فقر از منظر فقه نگاشته نشده است. مقاله‌هایی با نام عوامل تضعیف استحکام خانواده به موانع فردی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی از اعظم نوری و یا بررسی تطبیقی مفهوم فقر در فقه امامیه از قائمی به مفهوم فقر و غنایی کفایی پرداخته است. با هدف از نوشتار حاضر، بیان تزلزل خانواده در بستر فقر است تا با آگاه‌سازی خانواده از تهدیدی که ممکن است در اثر جهل به این موضوع در آینده دامنگیر آنها شود، جلوگیری کند. نوشتار حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که تزلزل خانواده در کدام بستر فقری تحقق می‌یابد و برای پاسخ به این سؤال به سؤالات فرعی مانند فقر اقتصادی، اجتماعی، دینی و اجتماعی چیست. آیا این نوع فقر باعث تزلزل خانواده می‌شود. راهکارهای غلبه بر این نوع تزلزل کدامند. با استفاده از آموزه‌های دینی به این سؤالات پاسخ داده شده است تا نهاد خانواده از تهدید و تزلزل حفظ شود. نوشتار

حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و در محدوده فقه و با استفاده از منابع فقهی کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. خانواده

خانواده، تعاریف متعدد و گوناگونی دارد. نه تنها براساس فرهنگ‌ها بلکه حتی در درون یک فرهنگ خاص نیز بر پایه دیدگاه‌های مختلف، تعاریف مذکور متفاوت است. در خانواده گروهی از افراد با پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به صورت شوهر، زن، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل قرار گرفته، فرهنگ مشترکی را پذیرفته و در واحد خاصی به نام خانه زندگی می‌کنند. (ستوده و بقائی‌سرایبی، ۱۳۸۷، ص ۶۸) خانواده مناسب‌ترین بستر برای رشد انسان است و آدمی نیازهایی دارد که حسن تأمین هر یک از آنها گامی در مسیر رشد، شکوفایی و تعالی انسان است و خانواده بهترین جایگاه تأمین نیازهاست، اما گاهی این محیط امن و جایگاه تعالی، محل کدورت‌ها، ناامنی و رکود می‌شود (مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

۲-۱-۱. مهمترین اهداف خانواده از منظر فقه اسلامی

اول) رسیدن به سکون: نخستین هدف خانواده در قرآن، رسیدن به تسکین روحی است: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهن؛ از نشانه‌های او این است که از (جنس) خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید» (روم: ۲۱).

دوم) مبارزه با فحشا: از اهداف دیگر تشکیل خانواده، پیشگیری از فسادهای تربیتی و اجتماعی و کمک به نسل جوان در مبارزه فحشاست.

سوم) بقای نسل: از اهداف مهم تشکیل خانواده، بقای نسل انسان، است. برخی از اهدافی که بیان شد در بستری مانند فقر در زمینه مختلف مانع از دستیابی آن می‌شود و با توجه به قواعد و اصول فقه هر آنچه که برای خانواده تهدیدآور و مضر است باید از آن جلوگیری کرد.

۲-۲. فقر

پدیده شوم فقر از نابهنجارترین دردها در زندگی است که در ابعاد مادی و معنوی زندگی فرد عوارض زیانباری دارد. در فرهنگ دینی، فقر پدیده‌ای خدادادی، خوشایند و طبیعی نیست و از خانمان سوزترین تهدیدها شمرده شده است. فقر شکسته شدن مهره‌های پشت بدن است و فقیر کسی که مهره پشتش به خاطر ذلت و خواری از ناحیه فقر شکسته است. (ر.ک.، ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴/۴۴۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۹/۱۱۸) اخلاق، مایه تمدن و ستون فقرات یک زندگی اجتماعی سالم است و فقر اخلاقی باعث شکسته شدن ستون خانواده می‌شود. ریشه معنای فقر از شکاف و حفره و یا فقار (ستون فقرات) گرفته شده است (ابن منظور، بی‌تا، ۵/۶۱). جمعی از اهل لغت، مشهور علما و فقهای شیعه در معنای کلمه مسکین بیان کرده‌اند: «او کسی است که چیزی ندارد، فقر او را از حرکت بازداشته یا به ذلت، خضوع و گدایی کشانده است» (المنتظری، ۱۴۱۳، ۲/۲۹۰). فقر در معانی حاجت و نیازمند آمده است و فقیر نیز به معنای حاجتمندی است. همچنین از جمیع استعمالات کلمه فقر نیز به دست می‌آید که آن کلمه بر همه نوع حاجت و نیازی اعم از وجودی، علمی، اخلاقی و مالی گفته می‌شود: «لا فقر اشد من الجهل؛ هیچ فقری بدتر از فقر علمی نیست» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵). در اصطلاح قرآن، فقر در چهار معنا به کار رفته است:

- نیاز در اصل وجود که همان نیاز عمومی جهان آفرینش به خداوند متعال است (ر.ک.، فاطر: ۱۵)؛
- احتیاج مادی (ر.ک.، توبه: ۶۰)؛
- فقر معنوی: «فقر النفس شد الفقر»، ممکن است انسان غنی باشد، اما فقر درونی داشته باشد (ر.ک.، تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۵۰)؛
- احساس نیاز به خداوند و احتیاج به او (ر.ک.، راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۵).

در آیات و روایات، فقری نکوهش شده است که اندیشه، روان، جسم و جان آدمیان را دستخوش تباهی قرار دهد. در متون دینی، فقر معانی متعددی دارد به گونه‌ای که بین این معانی اشتراک لفظی برقرار است. فقری که در نوشتار حاضر مدنظر است فقر اخلاقی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است؛ زیرا از واژگان فقر و فقیر در فقه در جنبه‌های اقتصادی آن مطرح شده است و

سهم حضور فقر در کنار فرهنگی، فقر اخلاقی و فقر دینی در ارتباط با خانواده به طور واضح بیان نشده است. این ضرر بزرگی بر خانواده و اجتماع است. در ذهن انسان از فقر یک معنی واحد و یکسانی تصور می‌شود. فقیر یعنی، تهیدست و یا کسی که توانایی به دست آوردن پول و ثروت را ندارد. این همه تعاریف جنبه اقتصادی دارد، اما شاید فقر اقتصادی بر خانواده حاکمیت نداشته باشد و از منظرها و ابعاد دیگر فقر باعث تزلزل خانواده شود. از منظر برخی صاحب نظران، فقر از متغیرهای مهم و اساسی در تزلزل خانواده محسوب می‌شود و علاوه بر فقر اقتصادی، فقر دینی، اخلاقی و اجتماعی هم در فروپاشی خانواده نقش مهمی دارد.

۲-۲-۱. انواع فقر

اول) فقر اقتصادی

از منظر صاحب الحیاه فقر اقتصادی عبارت است از: نیازمندی انسان یا بی‌نصیب ماندن از چیزهای که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت تکفل او هستند، کفایت کند. به عبارت دقیق‌تر فقر یعنی، نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آنها بستگی دارد. تعبیرهای حدیثی هم اغلب چنین مطلبی را گوشزد می‌کند. (حکیمی، ۱۳۶۸، ۴/۴۰۰) یکی از عوامل فقر اقتصادی به فقر فرهنگی ربط دارد که براساس آیات و روایات، برخی از گناه‌های خاص مانند گسستن پیوند خانوادگی، اسراف و... را سبب فقر و ایمان و تقوا را وسعت روزی معرفی کرده است. در واقع این دو فقر در هم اثر متقابل می‌گذارند. فقر فرهنگی در تشدید فقر اقتصادی و فقر اقتصادی در ایجاد فقر فرهنگی سهم اصولی و بسزایی دارد.

دوم) فقر فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ معنای وسیعی در گستره زندگی انسان‌ها دارد، اما آنچه در اینجا به نام فقر فرهنگی مدنظر است عبارت است از: بی‌خردی، بی‌سوادی، اعتقادات خرافی و امثال آن. در مورد فقر اجتماعی که بیشتر در برابر بی‌عدالتی بیان شده است در اینجا منظور، آنچه که بی‌عدالتی به وجود می‌آورد و

نقش بی‌خردی و بی‌سوادی خانواده در به‌وجودآوردن این نوع فقر اجتماعی است. عواملی مانند تجمل‌گرایی، اسراف، قطع روابط و دوستی با افراد ناشایست از فقر اجتماعی خانواده ناشی می‌شود که و زمینه را برای فقر اقتصادی به‌وجود می‌آورد. گویا این سه نوع با هم در به‌وجودآمدن فقر مؤثر هستند. حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «و اکبر الفقر الحمق؛ بزرگ‌ترین فقر، بی‌خردی است» (شریف رضی، ۱۳۷۹).

سوم) فقر دینی

فقر دینی عبارت است از فقدان یک آیین الهی و یا وجود کاستی‌ها و نواقص در اعتقادات دینی و عقیدتی. امام صادق علیه السلام فرمود: «فقر مرگ سرخ (کشته شدن) است». منظور از فقر، فقر دینی است (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷، ۶۶۳/۳). امام علی علیه السلام این نوع فقر را جزو سخت‌ترین فقرها می‌داند (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۳۸۱/۴). براساس آموزه‌های دینی یکی از مهمترین مسائلی که زمینه آرامش و رضایت را در خانواده فراهم می‌سازد پایبندی اعضای خانواده به دستورات مذهبی است. فاصله‌گیری خانواده از رعایت وظایف دینی (ر.ک.، تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۶) زمینه تزلزل خانواده را فراهم می‌کند؛ زیرا زندگی بدون تعارض در سایه توجه به مسائل معنوی و پرورش اعتقادات مذهبی است.

چهارم) فقر اخلاقی

اخلاق به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در درون نهادینه شده است. این واژه هم خوی‌های نیکوی پسندیده و هم خوی‌های زشت و ناپسند را دربرمی‌گیرد. (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۷۶/۱) در نظام اخلاقی قرآن دو مفهوم بر و تقوا بیشترین اهمیت را دارند. از منظر قرآن، بر همه فضایل دینی چون عقاید، فرایض دینی و صفات پسندیده را شامل می‌شود (ر.ک.، پاکتچی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۷). اخلاق اسلامی به بخشی از آموزه‌های دین اسلام گفته می‌شود که از فضایل و رذایل اعمال انسان سخن می‌گوید (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸۵). فقر اخلاقی از جمله فقر معنوی و روحی است. کسی که فاقد ادب معاشرت، اخلاق انسانی و تربیت اجتماعی است، خودش کسری خودش را از این نظر نمی‌فهمد. به‌ویژه اگر اخلاق زشت وی در روحش رسوخ یافته

باشد و به اصطلاح، ملکه شده باشد. همچنین اگر آن طرز اخلاق در اجتماع هم معمول و شایع باشد در این صورت آن خلق زشت در نظر متحسن و قابل دفاع است (مطهری، ۱۳۷۶، ۲۲/۱۹۳). انسان با کمبود و نداشتن صفات پسندیده و ملکه شدن به صفات ناپسند به فقر اخلاقی مبتلا می‌شود و در اجتماع کوچکی مثل خانواده تهدید جدی را به همراه دارد.

۲-۳. فقه

فقه در لغت به معنای فهم، علم و دانش است و بیشترین کاربردش برای علم و دانش دینی است (انیس، ۱۳۸۲، ۲/۱۵۰). فقه در اصطلاح فقها یعنی، حفظ فروع و نزد اهل حقیقه یعنی، جمع بین علم و عمل و به طور کلی، علم به مسائل شرعی علمیه است (ابوحیب، ۱۴۰۸، ص ۲۸۹).

۳. عوامل تزلزل خانواده

۳-۱. تزلزل خانواده در بستر فقر روحی و معنوی

فقر روحی و معنوی بالاتر از فقر مالی و اقتصادی است. با داشتن ثروت روحی، فکری و اخلاقی می‌توان فقر مالی و اقتصادی را علاج کرد، ولی با وجود فقر روحی و معنوی، بی‌نیازی مالی سودی ندارد و ممکن است بر ناراحتی و شقاوت انسان بیفزاید. انسان نباید فقر را منحصر به فقر مالی بداند و توجهی به فقرهای فکری، روحی و اخلاقی نداشته باشد. اگر انسان همه توجه خود را معطوف به رفع فقر مالی کند، خودش فقر مادی را پیش از دیگران احساس می‌کند؛ برخلاف فقرهای روحی و معنوی که خود شخص، آن فقر و عوارض و آثار آن فقر را احساس نمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۶، ۲۲/۱۹۰). در فقه، هر آنچه که باعث ضرر خانواده و فروپاشی آن می‌شود، منع است. تهدیدی که بیش از همه در خانواده نمایان است فقر روحی و معنوی است. در فقه به عنوان سوء معاشرت، عدم کفویت دینی و عدم کنترل و نظارت خانواده و قاعده لاضرر و قاعده لاجرح دیده می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الفقر الموت الاحمر، فقيل: «الفقر من الدنانير و الدراهم؟ قال: لا ولكن من الدين؛ سؤال شد آیا منظور فقیر بودن از نظر درهم و دینار است. فرمود: نه بلکه فقر در دین منظور است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۰/۷۲) مرگ دو نوع است: یکی آنکه به قتل می‌رسد و کشته می‌شود و دیگری مرگ سیاه است که از راه طبیعی از دنیا می‌رود. مقصود امام این است که کسی که سرمایه معنوی دارد، اگر عالم را از او بگیرند برایش فرق نمی‌کند، اما کسی که سرمایه معنوی ندارد اگر عالم او را بدهند باز احساس نیاز می‌کند. فقر اخلاقی، مرگ سرخ و مصیبت بزرگ دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۶/۲). این دو نوع فقر را می‌توان فقر روحی و معنوی به‌شمار آورد. فقر روحی و معنوی از صفات درونی انسان است و ارتباط با اخلاق و دین دارد. به‌همین دلیل فقر اخلاقی و دینی در زیرمجموعه فقر روحی و معنوی بررسی می‌شود.

۳-۱-۱. فقر اخلاقی

در فقه مطالبی با موضوع فقر اخلاقی یافت نمی‌شود، اما از تکالیف زوجین به معاشرت نیکو و پسندیده در آیات متعددی همچون آیات ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۵ و ۲۳۷ سوره بقره، آیه ۱۹ سوره نساء و آیه ۶ سوره طلاق سخن آمده است که از اصول اساسی بر روابط بوده و براساس زمان و مکان و اخلاق مذهبی فرق می‌کند. بنابراین، با توجه به معروف می‌توان استنباط کرد که مصادیق سوء معاشرت رابطه تنگاتنگی با فقر اخلاقی دارد؛ زیرا تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین به‌شمار می‌آیند یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارند از جمله مصادیق سوء معاشرت در خانواده است که به عیب‌جویی، سوءظن، آزار همسر، تحقیر و سرزنش و... اشاره می‌کند.

۳-۱-۲. عیب‌جویی

یکی از مواردی که زمینه تزلزل خانواده را در بستر فقر اخلاقی ایجاد می‌کند صفت ناپسند عیب‌جویی است. در روایت‌ها، عیب‌جویی از صفات اهل نفاق شمرده شده است (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۲۳/۲). سرد شدن روابط با عیب‌جویی اعضای خانواده به‌ویژه زن و مرد از

یکدیگر در برابر فرزندان به تدریج باعث تزلزل خانواده می‌شود. از راهکارهایی که اسلام در مسائل خانوادگی بسیار به آن سفارش کرده، گذشت هر یک از زن و شوهر در لغزش‌ها و اشتباه‌های یکدیگر است؛ زیرا زن و شوهر دو انسانی هستند که مانند همه انسان‌های دیگر، روحیه‌ها و طرز تفکرهای دوگانه دارند. از اینجاست که اهمیت گذشت و تأثیر آن در تداوم روابط سالم آشکار می‌شود (حسینیا، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱). احترام به همسر و تکریم به شخصیت هم، خانواده را از هرگونه تهدید و تزلزل حفظ کرده و تحکیم را به همراه دارد.

۳-۱-۳. سوءظن

بیشترین تزلزلی که در خانواده رجحان دارد فقر اخلاقی از جمله سوءظن به یکدیگر است که ممکن است به شک نسبت به هم منجر شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «بدترین مردم، سوءظن برندگانند و بدترین سوءظن برندگان، تفتیش کنندگانند و بدترین تفتیش کنندگان، پرحرفانند و بدترین پرحرفان، هتاکان هستند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۹/۱۴۷). سوءظن مرد و زن به یکدیگر باعث تزلزل خانواده می‌شود. اسلام برای داشتن روحیه حسن ظن در زندگی توجه ویژه‌ای دارد. در روایات آمده است حسن ظن از بهترین نصیب و عطیه‌هاست (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۷/۱۲۵)؛ زیرا داشتن روحیه مثبت‌گرا به اعضای خانواده کمک می‌کند که همه مسائل زندگی را با دیدی مطلوب و زیبا بنگرند و نوعی رضایتمندی بین اعضای خانواده ایجاد شود.

۳-۱-۴. سلطه‌مداری

یکی دیگر از موارد تزلزل خانواده در بستر فقر اخلاقی، سلطه‌مداری هریک از اعضای خانواده به دیگران است. زن و مرد اگر دیدگاه خود به دیگران را کنترل کنند افزون بر آنکه خود را در مشکلات فراوانی گرفتار می‌کنند خانواده، سکون هم ندارد. اصل معروف نیز با هرگونه سلطه‌مداری در خانواده ناسازگار است؛ زیرا شیوه‌های سالاری‌گری، تضادی جوهری با موازین معروف و اصول نیکی و انسانی و احترام و بزرگ‌داشت شخصیت زن دارد. براساس آیه ۳۴ سوره نساء، ریاست

خانواده برعهده مرد است و عالمان و فقیهان همه بر ریاست مرد بر خانواده به نحو ضمن اذعان دارند.

استاد محمد تقی جعفری می‌گوید: «برای اداره خانواده چهار صورت تصور می‌شود و این حالت چهارم برای اداره منطقی خانواده شرط لازم و مهم است به شرط آنکه طرفین شورا حتی در خانواده‌هایی که فرزندان آنان نیز رشد یافته و از معلومات و تجارب مفید برخوردار شده‌اند، اعضای شورا با کمال تقوا، عدالت و بی‌طرفی از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست به کار شوند. مسلم است که کار اجرای تصمیم‌های اخذ شده در شورا در نتیجه‌گیری محض خلاصه نمی‌شوند بلکه باید این نتیجه به مرحله اجرا درآید. عامل اجرا در ایدئولوژی اسلام مرد معتدل است که با کلمه سرپرست مسئول که معنای قوام است تعبیر شده است.» (جعفری، ۱۳۶۸، ص ۲۶۷) برخی گفته‌اند: «این ولایت علی‌الاطلاق نیست بلکه مانند سایر ولایت‌های شرعی تابع مصالح است» (صادقی، ۱۹۷۸؛ بیروت، ۱۹۷۸، ۴۱/۷).

۳-۱-۵. خشونت خانواده

بستر فقر اخلاقی با خود پیامدهای چون بدخلقی، سرزنش و توهین و آزار همسر دارد که همه آنها را می‌توان به خشونت در خانواده چه در روابط همسر و چه در روابط بین فرزندان مربوط دانست و همه اینها در تزلزل خانواده نقش بسزایی دارند. خشونت مفهومی نسبی است. در فارسی خشونت به معنی درشتی کردن، زبری و ناهمواری است. (عمید، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷) در قرآن کریم واژه خشونت وجود ندارد، اما دو کلمه دیگر یعنی، غلظت و شدت که هر دو مترادف با خشونت هستند به کار رفته است. دو نوع خشونت در فقه وجود دارد: یکی خشونت مثبت که همان خشونت مجاز و اعمال قانون است (در صورت نشوز زن و مرد آن را از باب تأدیب و مصلحت خانواده همانند طفل دانسته‌اند) (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۳۸/۴) و دیگری، خشونت منفی که آن خارج شدن از حد و مرز قانون الهی است. خشونت بدنی و روانی جنسی و اقتصادی از نظر فقها براساس آیه معاشرت به معروف و آیه نفي ضرار آیه نفي عسر و حرج نهي شده است و ضرب را از باب امر به معروف و نهي از منکر و از مقوله تأدیب دانستن آن با تأکید بر همانندی آن با تأدیب طفل است (طوسی، ۱۳۸۷،

۳۳۸/۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۷۲۹/۲؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۳۵۶/۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۰/۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۲، ۹۴/۱۲.

اول) موارد خشونت در خانواده به علت فقر اخلاقی

آزار همسر: یکی از موارد فقر اخلاقی، آزار همسر با رفتار و ارتکاب اعمال ناشایست و... است و از کارهای بسیار زشت و غیر انسانی است که به شدت در روایت‌ها از آنها نهی شده است. در قرآن حتی مردان از نگهداری اجباری زنان به قصد اذیت و آزار یا تعدی به حقوق آنها نهی شده‌اند (ر.ک.، بقره: ۲۳۱). در فقه آن را از مصادیق نشوز می‌دانند و از نشوز در زمره سوء معاشرت هم می‌توان اشاره کرد مانند سوء رفتار و ارتکاب اعمال ناشایست و عدم اطاعت و آزار همسر و... بنابراین نظر فقها یکی از علائم نشوز زن، تغییر عادت او در روابط کلامی یا غیر کلامی همسر بدون هیچ دلیل موجهی است. بدین معنا که از قبل با همسر با نرمی و مهربانی سخن گفته است که این تغییر عادت، نشانه نشوز زن است؛ زیرا از مصادیق سوء معاشرت است (خمینی، ۱۴۰۷). از طرف دیگر، در آرای فقها سوء معاشرت زوج شامل: آزار زبانی و جسمی زوجه و... در زمره مصادیق نشوز وی است (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۰۸/۳۱؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۳۸۶، ۱۳۵/۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۲، ۹۵/۱۲).

آیه: «لائتضاروالده بولده لا مولودله بولده؛ به هیچ مادری به سبب بچه‌اش نباید زیان وارد شود و به هیچ پدری هم به واسطه فرزندش (ضرر زده شود)» (بقره: ۲۳۳) به حرمت آسیب رساندن پدر و مادر به یکدیگر دلالت دارد (کاظمی، بی تا، ۳/۳۱۱). انعطاف‌پذیری و سازگاری و مدارا از قواعد مهم و اساسی است که بدون آن زندگی پیوسته در کشاکش و اصطکاک طی خواهد شد. زن در صورت نیافتن نفقه می‌تواند به دادگاه شکایت کرده و درخواست طلاق کند، ولی اخلاق حکم می‌کند که در صورت عدم ضرر و حرج و اگر توان پرداخت نفقه را ندارد، زن با او مدارا و همراهی کند و حمایت عاطفی نماید. در خانواده‌ای که هر یک از زوجین با وجود برخی از تفاوت‌ها با یکدیگر مدارا

می‌کنند و به زندگی، هدف و معنا می‌دهند و هر دو در پی رسیدن هدف مشترک یعنی، رضایت الهی بیش می‌برند و خانواده را از تهدید مصون می‌دارد.

سرزنش کردن: آموزه‌های دینی اسلام به هیچ وجه اجازه سرزنش و اهانت را به کسی نمی‌دهند. اگر اعضای خانواده به هم احترام نگذارند و یکدیگر را سرزنش کنند ارتباط بین آنها گسسته می‌شود. یکی از راهکارها در کنترل زبان هنگامی است که زن یا مرد بنا به دلایلی از یکدیگر ناراحت می‌شوند. در این حالت بهترین راه برای اینکه این ناراحتی عمیق نشده و منجر به کدورت نشود، سکوت است. خاموش بودن در این موقعیت‌ها باعث حفظ خانواده از آسیب‌های بعدی می‌شود. از ویژگی‌های رفتار انسان که موجب گذشت در برابر خطا و جلوگیری از خشم و عصبانیت می‌شود داشتن مقام صبر و گذشت در برخوردهاست. (عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ص ۳۷۴)

بدخلقی: انسان‌های بد اخلاق به طور ذاتی بد نیستند، ولی بدون آنکه بخواهند سبب آزار دیگران می‌شوند. این افراد علاوه بر آنکه زندگی خود را آشفته می‌کنند محیط عصبی، حساس، شکننده برای خود و خانواده شان به وجود می‌آورند. اگر این وضعیت ادامه یابد، اطرافیان به ویژه همسر به مقابله به مثل همسر یا گریز از شوهر و حتی خانه روی می‌آورد و اینها موجب ازهم پاشیدگی خانواده می‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «برو اولادکم و احسنوا الیهم فانهم یظنون انکم ترزقونهم؛ با فرزندان خود نیکی و در حق آنها احسان کنید، چه بسا آنها گمان می‌کنند که شما رزق و روزی آنها را می‌دهید» (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۷/۷۴).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر چنانچه یک مردی با زن خودش رفتارش بد باشد او را اولاً نصیحت کند و ثانیاً تأدیب کند اگر دید نمی‌شود اجرای طلاق کند». (معاونت آموزشی قوه قضاییه، ۱۳۸۷، ۲۴/۴) فقها آزار همسر و بدخلقی و اذیت و آزار را منع کرده‌اند و در صورت نهی اگر از این کار باز نیابند به حاکم ارجاع داده و در صورت تکرار عمل به تعزیر آن حکم می‌دهند (جبعی عاملی، ۱۳۸۶، ۳۸۳/۲). بنابراین، فقر اخلاقی باعث خشونت در خانواده می‌شود و با خود فقر عاطفی را به همراه دارد. زن و مرد عناصر اساسی و پایداری در خانواده هستند و ادامه موجودیت خانواده، متکی به نقش آفرینی آنهاست. نقش حساس زن در امور خانواده به دلیل تربیت و

سازندگی، امر مهمی است. وجود زن موجب پیوند اخلاقی و عاطفی اعضای خانواده می‌شود. این هدف درحالی میسر می‌شود که زنان به‌عنوان پرورش‌دهندگان نسل آتی در محیطی آرام، مطمئن و دور از خشونت به‌سر برند. پیامبر ﷺ مردم را از خشونت برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «بدانید که خشم اخگری است در قلب آدمیزاد» (اناصف، ۱۹۷۵، ص ۱۷۷).

زن و مردی که خشم بر آنها غلبه می‌کند کنترل خود را از دست می‌دهند و به روش‌های ناپسند روی می‌آورند. این یکی از عوامل تزلزل خانواده است. بسیاری از آسیب‌های که باعث تزلزل می‌شود در نتیجه عدم کنترل خشم است. مطالعه زندگی بزرگان اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند به رفتارهای انسان‌رنگ و بوی دیگری دهد و موجب تغییر رفتارهای او شود. (آقاجانی، ۱۳۹۰، ص ۷) محبت از دید اسلام زندگی خانوادگی است. زن و شوهر باید عواطف خود را در مورد یکدیگر علنی کنند و در این مورد از خجالت و شرمساری پرهیز کنند (عاملی، ۱۳۶۷، ۱۹/۴).

تبعیض در خانه: بسیاری از زوجین و والدین آگاهانه یا ناآگاهانه بین اعضای خانواده تبعیض ایجاد می‌کنند و موجب اختلاف و دل‌سردی از زندگی می‌شوند. تبعیض در مواجهه با خطاها و اشتباه فرزندان و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض‌آمیز براساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب گرفتن اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود. تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت‌نفس دختران منافات دارد و لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر روح و روان آنان وارد می‌کند و با ایجاد بحران‌های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی بازخوردهای منفی مانند فرار از خانه سوق می‌دهد و موجب تزلزل خانواده می‌شود. یکی از راهکارهای مقابله با فقر اخلاقی اعضای خانواده، احترام به شخصیت یکدیگر است که روحیه قدردانی را در زن و شوهر به‌وجود می‌آورد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بهترین زن‌های شما زنی است که وقتی شوهرش چیزی آورد سپاسگزاری کند و اگر نیامد راضی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۹/۱۰۳). همچنین تقسیم عادلانه صورت بگیرد تا زمینه برای تبیض و ظلم ایجاد نشود. فقر اخلاقی در زندگی با سوء معاشرت تبیین می‌شود که خانواده برای مبارزه با فقر اخلاقی، بهترین

کارکرد را در حسن معاشرت می‌داند. به زن و به‌ویژه به مرد سفارش شده است که تمام موارد اخلاقی از گفتار و رفتار و کردار در آن نمایان می‌شود؛ زیرا اگر شرایط زندگی از دو جهت دلخواه باشد و حسن معاشرت نباشد، گویی شالوده و اساس زندگی روی آب بنا شده که با چشم به هم زدنی خراب می‌شود.

۳-۱-۶. فقر دینی

فقر دینی در تزلزل خانواده نقش بسزایی دارد و در انتخاب همسر هم، کفویت دینی و ایمانی، ضروری‌ترین ملاک است. (نجفی ۱۳۶۲، ۹۳/۳۰) در آیات (ر.ک.، بقره: ۲۲۱؛ نور: ۲۶؛ ممتحنه: ۱۰) و روایات فراوانی (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۲۰؛ کلینی، ۱۴۲۹، ۳۳۲/۵) هم به دیندار بودن زن و مرد هر دو سفارش شده است تا برای نطفه خود جایگاه مناسبی قرار دهند و بهتر بتوانند کودکان خود را تربیت کنند. فردی که ایمان و باور دینی مناسب ندارد، ازدواج با او باطل است؛ زیرا از ویژگی‌های معنوی مؤثر بر تعالی زن و شوهر و فرزندان در خانواده، مراقبت از یکدیگر برای ماندن در صراط مستقیم است. شاخص ماندن در صراط مستقیم، عمل به تکلیف دینی، رعایت مسائل اخلاقی و توجه به جایگاه خانواده و زوجیت است. دینداری، نیکی به پدر و مادر، جهاد با نفس، کمک کردن زن و مرد به هم در تکالیف و قدرت زیاد تأثیرگذاری آنها در بهشتی و جهنمی کردن یکدیگر، رضایت شوهر و تمکین زن جزء تکالیف دینی زن و شوهر برای استحکام و مانع تزلزل خانواده خواهد بود. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «دخترت را به ازدواج مردی پرهیزگار درآور؛ زیرا وی اگر دخترت را دوست بدارد او را اکرام خواهد کرد و چنانچه او را نپسندد به وی ستم روا خواهد داشت» (طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۲۱). بنابراین، یکی از مهمترین مسائلی که زمینه آرامش و رضایت در خانواده را فراهم می‌کند پایبندی اعضای خانواده به دستورات مذهبی است و در صورت فقر دینی با فاصله گرفتن از دین زمینه را برای تزلزل خانواده فراهم می‌کند؛ زیرا زندگی بدون تعارض در سایه توجه به مسائل معنوی و پرورش اعتقادات مذهبی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۶).

۳-۲. تزلزل خانواده در بستر فقر مالی و اجتماعی

این نوع فقر رابطه‌ای تنگاتنگ با فقر اجتماعی و فقر فرهنگی دارد.

۳-۲-۱. فقر اقتصادی

در میان تزلزل خانواده در بستر فقر، فقر و مشکلات اقتصادی از مهمترین عوامل تزلزل خانواده بیان شده است. عدم بضاعت مالی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و ضروری، زمینه‌ساز بروز دل‌زدگی، سرخوردگی، ناراحتی روحی، دل‌مشغولی، افسردگی و انزوای طبیعی را در فرزندان فراهم می‌کند. امام علی علیه السلام در سفارش به امام حسن می‌فرماید: «فرزندم از فقر بر تو می‌ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر، دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش و مردم را نسبت به او و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۳/۳۴۵). هر کس به روزی اندکی که خدا به او می‌دهد، راضی باشد، پروردگار همان عمل اندک را از وی می‌پذیرد. همین راضی و قانع بودن به داشته‌ها خانواده را مستحکم می‌کند. در فقه امامیه، برای پیشگیری از فقر اقتصادی، نفقه خانواده و اهل و عیال و به تعبیری دیگر، هزینه و مخارج افراد واجب‌النفقة است تا پیامدهایی از جمله کار زن و کودک به‌ویژه کار سخیف جلوگیری شود.

اول) بیکاری و تن‌پروری

بیکاری ریشه بزهکاری و کج‌روی افراد یک جامعه است. بیکاری موجب می‌شود که افراد بیکار، جذب افراد بزهکار شده، به تدریج به دامان انواع کج‌روی‌های اجتماعی کشیده شوند. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «رها ساختن کار و تلاش باعث خمودی اندیشه و سقوط می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۶). یکی از راهکارهای اقتصادی برای تحکیم خانواده، کار و تلاش است. در آموزه‌های دینی کار و تلاش برای تأمین نیازهای خانواده شعبه‌ای از جهاد است و فرد تلاشگر مانند مجاهد راه خدا و گاهی برتر از آن شناخته شده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «افرادی که از نعمتی برخوردارند باید بر زن و فرزند خود گشایش دهند» (عامرطائی، ۱۴۰۸، ص ۴۰۳). هر چند تأمین معاش خانواده بسیار مهم است، اما مصرف مدبرانه و صحیح درآمدهای

خانواده اهمیت بیشتری دارد. هزینه‌ها و مخارج خانواده باید به دقت هرچه تمام براساس میزان درآمد خانواده و نیازهای حال و آینده آن مدنظر قرار گیرد. آنچه در نظام اقتصادی اسلام، بیش از هر چیز اهمیت دارد تأمین معاش حلال از راهی است که ممنوعیت شرعی ندارد (مأئده: ۸۸). فراهم بودن امکانات زندگی برای اهل خانه در ایجاد آرامش و افزایش صمیمت نقش مهمی دارد. براساس آیه ۳۴ سوره نساء پرداخت هزینه زندگی به طور عام و مخارج زوجه به طور خاص برعهده زوج است که باید براساس شأن زوجه انجام شود. فقهای امامیه معتقدند: «نفقه همسر دائم که بر شوهر لازم است از طعام دادن و پوشانیدن لباس و تهیه مسکن و لوازم زندگی و سایر چیزهایی که بر حسب شأنی برای زن لازم است» (حلی بن ادریس، ۱۴۱۰، ۵۸۹/۲؛ خوبی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۹؛ نجفی، ۳۰/۳۱۱۳۶۲). در فقه شیعه امامیه، بیشتر نفقه را به نیازمندی‌های ضروری و حیاتی زندگی بیان کرده‌اند که عبارت است از: غذا، مسکن، پوشاک و درمان (محقق حلی، ۱۳۸۹، ۳۱۹/۲). برخی فقط خوراک و آن را در برابر مسکن و لباس برمی‌شمارند (منتظری یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶).

دوم) بخل و خساست

انسان بخیل به کسی چیزی نمی‌دهد و تمام دارایی‌هایش را نزد خود نگاه می‌دارد. چنین شخصی، خود و همه را در تنگنا می‌گذارد و از پرداخت هزینه‌های اصلی خانواده نیز شانه خالی می‌کند. بدین ترتیب منشأ سختی را به خانواده وارد می‌آورد. در این وضعیت، کمتر زنی تاب می‌آورد. یا به دزدی پنهان از شوهر روی می‌آورد یا حداقل در علاقه او به خود، تردید می‌کند و علاقه‌اش به همسر نیز کاهش می‌یابد؛ زیرا خود را از دارایی و مال همسرش کم‌ارزش‌تر می‌بیند و این امر موجب تزلزل خانواده خواهد شد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «مقرب‌ترین شما کسی است که خوش اخلاق‌تر باشد و آن کسی که بیشتر به زندگی عیال خود توسعه بخشد، بیشتر مورد خشنودی خداوند است» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۴۸/۴).

فقر و مشکلات اقتصادی می‌تواند باعث ازهم‌گسیختگی نهاد خانواده شود. وقتی سرپرست خانواده از مسئولیتی که به او داده شده است، فرار کند و یا در تجمل‌گرایی چنان غرق شود که نتواند مدیر لایقی برای خانواده خود باشد و یا کار بیشتر و درآمد کمتر، جدایی نان‌آور خانه از خانواده و زن و فرزندان را منجر شود، مشکلاتی به وجود می‌آید. انجام کارهای سخیف برای زنان فقیر، تزلزل خانواده را به دنبال دارد و در بلندمدت این فقر اقتصادی باعث فقر فرهنگی نیز می‌شود. از پیامدهای آن، کاهش روابط سالم و فرستادن کودکان به کار، فرار از خانه، کودک‌آزاری و... است. فقه برای پیشگیری از تزلزل و عواقب توسط این نوع فقر، به سرپرست خانواده و دولت مسئولیت نفقه افراد خانواده را داده است.

۳-۲-۲. فقر اجتماعی

بی‌عدالتی از عوامل فقر اجتماعی است. این بی‌عدالتی در خانواده از عدم اطلاع و شناخت اعضای خانواده از مدیریت روابط اجتماعی ناشأت می‌گیرد. در عصر کنونی که رسانه‌های مختلفی بر زندگی افراد سایه افکنده‌اند و پیش از هر زمان دیگر خانواده را در معرض خطر قرار داده‌اند آشنایی با سبک زندگی اسلامی از وظایف مهم است. انسان اگر آگاهی لازم را نداشته باشد به خطا می‌رود و جزء خطاکاران خواهد بود (ر.ک.، زمر: ۱۹). در این بخش به آگاهسازی خانواده به آنچه که در روابط اجتماعی کمبود است و باعث فقر اجتماعی و فرهنگی می‌شود، اشاره خواهد شد.

اول) تجمل‌گرایی

اسراف و تبذیر فقر را به دنبال دارد و در اسلام از گناهان بزرگ شمرده شده و خداوند به بندگانش به شدت از آن نهی کرده است. قرآن اسراف‌کنندگان را از محبت خداوند محروم دانسته است (ر.ک.، اعراف: ۳۱) اسلام همگان را به دوری از تجمل‌گرایی و اسراف دعوت می‌کند. برپایی میهمانی‌های پرهزینه و دادن هدایای گران‌قیمت به مناسبت‌های گوناگون به خویشاوندان خود سبب می‌شود برخی از افراد به دلیل ناتوانی مال یا بخل با خویشاوندان قطع رابطه کنند. این امر از

عوامل بسیار مهم تضعیف پیوندهای خویشاوندی در جوامع امروزی است (شرف‌الدین، ۱۳۷۸، ص ۳۷۴).

دوم) دوستان ناصالح

تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ زیرا فرد پس از خانواده، زیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد. اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد، دچار آسیب و انحراف خواهد شد. (گروه محققان، ۱۳۶۳، ص ۵) از راهکارهای مقابله با فقر اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و تقویت حیاست. در مورد حیا می‌توان گفت که یکی از عناصر مهمی است که اغلب رفتارهای شخصی و اجتماعی متأثر از آن است. حیا، واکنش درونی فرد به حضور و توجه دیگران در ملکه نفسانی است که باعث خودداری از امور قبیح، تنفر از رفتار خلاف آداب و ترس از ملامت دیگران می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۹/۶۸). امر به معروف و نهی از منکر از دیگر راهکارها برای عدم تزلزل خانواده است. اعضای خانواده به‌ویژه مرد باید نسبت به رفتارهای دیگر اعضا نظارت و کنترل داشته باشد و در مواقعی که از اعضا سهل‌انگاری دیده شود با امر به معروف و نهی از منکر آنها را نسبت به خطای خویش آگاه کند. وجوب امر به معروف و نهی از منکر مشروط به احتمال تأثیر در مرتکب گناه و تارک معروف است (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۶۷/۲۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ۱/۴۴۸). پیامبر ﷺ همه افراد جامعه را کارگزار کنترل معرفی کرده و نظارت، مراقبت و کنترل از یکدیگر را از وظایف افراد برمی‌شمارند. ایشان در مورد نظارت همگانی می‌فرماید: «همه، شبان و مسئول زبردستان خود هستند. رهبر، شبانی است که باید از رعایای خود مراقبت کند. بزرگ خانواده در قبال باقی خانه مسئول است و زن نسبت به خانه شوهر مسئولیت دارد (دیلمی، ۱۴۱۲، ۱/۱۸۴). در آموزه‌های دینی علاوه بر نظارت بر ارتباطات اعضای خانواده به نظارت بر زمان هم تأکید شده است: «سعی کنید اوقات خود را به چهار زمان برنامه‌ریزی کنید: وقتی برای عبادت و خلوت با خدا، زمانی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان واقف می‌سازند و در باطن به شما خلوص و صفا دارند و وقتی را به تفریح و لذایذ خود اختصاص

دهید و از شادی ساعت‌های تفریح، نیروی لازم برای عمل به وظایف وقت‌های دیگر را تأمین کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵/۱۲۳).

سوم) قطع روابط

از جمله روابط اجتماعی، صله رحم است که به علت ماشینی شدن زندگی و مشکلات آن توجه چندانی به آن نمی‌شود. بیشتر نیازهای انسان یا در ارتباط با اجتماع یا توسط اجتماع برآورده می‌شود. وابستگی فرد به گروه و دوستی گروه یا فرد و ارتباط انسانی بین آنها به تشکیل شخصیتی سالم و بانشاط و تحقق امنیت خاطر و آرامش در انسان کمک شایانی می‌کند. (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۲) صله رحم از عوامل تقواست که نشان از اهمیت بسیار زیاد آن دارد؛ زیرا به سبب صله رحم، دل‌ها به هم نزدیک شده و در خانواده شادی و نشاط ایجاد شده و از زمینه تزلزل جلوگیری می‌شود. یکی از فلسفه روابط با خویشان در نزد شارع، چاره‌اندیشی در هنگام نیاز و مشکلات است تا مأمور به همپوشانی نیازهای حیاتی یکدیگر باشند. در آیه ۲۶ سوره اسراء آمده است: «حق نزدیکان را بپردازید». حق به صورت مطلق آمده و هرگونه حقوقی را دربرمی‌گیرد. از حقوق مادی می‌تواند تأمین نیازهای زیستی نزدیکان باشد. هرچند از این آیه حکم و جوب نفقه اقارب استنباط می‌شود، ولی برای نیازمندان در مال توانگران حقی معلوم است و در فقه اسلامی نخستین نیازمندان که حق آنها در مال ثروتمندان مقرر شده است، حقوق نزدیکان است. از این رو، برای نفقه اقارب اولویت قائل می‌شوند. تأثیر روابط خویشاوندی بر تحکیم خانواده از راه حمایت‌های مادی و معنوی آگاهانه و نظارت خویشاوندان بر خانواده در صورت اختلافات نمایان است (ر.ک.، نساء: ۳۵). معاشرت‌های خویشاوندی به خودی خود، تأمین نیازهای عاطفی بین خانواده را به دنبال دارد.

چهارم) عدم مسئولیت‌پذیری

اسلام از مرد می‌خواهد سرآغاز بنیان خانواده را با مسئولیت‌پذیری معنوی و عملی توأم کند و از زوجین می‌خواهد با توجه به ظرفیت خانوادگی، روحی، اجتماعی یکدیگر را درک کنند و

مسئولیت‌های خود را پذیرا باشند. با یکدیگر به صورت صمیمی زندگی کنند و در این فضا از تنگ نظری و خودخواهی که زندگی خانوادگی را متلاشی می‌سازد، دوری جویند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «احسنوا جوار النعم فانها وحشیه ما فات عن قوم مفادت الیههم» (عامرطائی، ۱۴۰۸، ص ۴۰). «وایتک مسئول عمّا ولیته؛ و تو در برابر کسانی که عهده‌دار سرپرستی آنان هستی در پیشگاه خداوند مسئول هستی» (طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۴۲۱). بنابراین، روایت مسئولیت‌پذیری هر یک از اعضای خانواده در قبال یکدیگر زمینه‌ساز توسعه و تحکیم هرچه بیشتر خانواده است (کمالی دزفولی، ۱۳۶۹، ص ۲۰).

پنجم) تقدس‌زدایی خانواده

فقر اجتماعی و فرهنگی باعث شده که خانواده با الگوبرداری از نقش‌هایی که رنگ و بویی از دین ندارند دچار تزلزل شود. درحالی که اسلام با اعطای صبغه دینی و تخصیص پاداش اخروی در ازای نقش‌ها و فعالیت‌های گوناگون، نگرش تقدس‌گرایانه به خانواده را در افراد تقویت کرده است. در روایت آمده است: «مرد باید هنگام ازدواج با اقرار به پیمانی که خداوند گرفته است به طور شایسته زن را نگاه دارد وگرنه رها کند» (جرعاملی، ۱۴۰۹، ۸۲/۱۴).

۴. نتیجه‌گیری

نهاد خانواده حساس‌ترین نهادی است که باید از آسیب‌های مختلف در امان بماند تا آرامش خانواده را تضمین کند. فقر از علل تشدد و فشار تهدیدآور برای خانواده است و هر کدام از انواع فقر در صورت نابرابری‌های اجتماعی، باورهای غلط، تربیت ناصحیح، خانواده ناآرام، بیکاری و... به وجود می‌آید و کل خانواده از کودک گرفته تا بزرگسال را تهدید می‌کند. در فقه، چنین واژگانی به اسم فقر اخلاقی و فقر فرهنگی و... آمده‌اند، اما با توجه به بیانات، فقه بیشتر برای پیشگیری از انواع فقر راهکار و تکالیف را به اعضای خانواده مبذول کرده است. عدم کفویت ایمانی و اخلاقی، نوعی فقر را ثابت می‌کند که در روایت به والدین توجه شده که دختر را به تزویج کسی در نیاورند که فاقد این دو خصلت باشند. ملاک فقر اقتصادی نیست و حتی ازدواج را نوعی رزق‌آوری

می‌دانند، ولی براساس تفاسیری، مردان از زنان برتری دارند تا قییم خانواده خود باشند و همین مسئولیت‌پذیری مردان مانع از ایجاد انواع فقر در آینده خواهد بود. هر کدام از اقسام فقر تاثیر بسزایی در تزلزل خانواده دارد اما آنچه که بیشترین ضربه را بر خانواده وارد می‌سازد فقر ایمان و اخلاق است - خانواده ای در اوج ثروت درمرز ازهم پاشیدند و خانواده ای در اوج فقر و توکل به ذات ال‌هی این از این بحران نجات می‌یابند.

در نتیجه مهم‌ترین فقری که یک خانواده را متزلزل می‌کند فقر ایمانی و اخلاقی است. برای ریشه‌کن کردن این نوع فقر باید نظام خانواده را مطابق با آموزه‌های دینی و اخلاقی تربیت نمود که بیشترین مسئولیت برعهده والدین می‌باشد. درس صبر و قناعت در فقر اقتصادی، توکل بر خدا در رزاقیت، گذشت و مدارا بر ناملايمات، امر به معروف و نهی از منکر در برابر نابرابری اجتماعی، بیشترین کارآمدی را در ریشه‌کن کردن اقسام فقر دارد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲)، مترجم مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابراهیم انیس (۱۳۸۲)، فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم: بندریگی، محمد، تهران: انتشارات اسلامی.
 ۲. ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
 ۳. ابن منظور، محمدبن مکرّم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء والتراث العربی.
 ۴. ابن‌ادریس حلی، محمدبن منصوربن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
 ۵. ابوحبیب، سعدی (۱۴۰۸)، القاموس فقهی لغه و اصطلاح، دمشق: دارالفکر.
 ۶. امین عاملی، سیدمحسن (۱۳۶۷)، اعیان الشیعه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
 ۷. اناصف، شیخ منصور علی (۱۹۷۵)، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، بیروت: دارالفکر.
 ۸. آقاجانی، محمدصادق (۱۳۹۰)، خانواده، تهران: شرکت چاپ نشر بین‌الملل.
 ۹. آمدی، عبدالواحدتمیمی (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۰. پاکتچی، احمد (۱۳۷۵)، اخلاق دینی دایره‌المعارف اسلامی، تهران: مؤسسه انتشاراتی حیان.
 ۱۱. جبعلی‌العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 ۱۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۸)، ترجمه تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر و فرهنگ.
 ۱۳. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۴)، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.

۱۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۵. حسینا، احمد (۱۳۸۰). بهداشت روانی ازدواج و همسرمداری. تهران: مفید.
۱۶. حسینی، شاه عبدالعظیمی (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری. تهران: میقات.
۱۷. حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۸). الحیاه. تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۸. حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۳۸۹). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. نجف: مطبعه الآداب.
۱۹. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). منهج الصالحین. قم: مدینه العلم.
۲۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲). ارشادالقلوب. قم: نشر شریف رضی
۲۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن. تهران: نشر کتاب.
۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام. نشر دفتر آیت‌الله السبزواری.
۲۳. ستوده، هدایت‌الله، و بقایی سرایی، علی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی آموزشی و پرورشی. تهران: ندای آریا.
۲۴. شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۷۸). تحلیلی اجتماعی از صلح‌رحم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. شریف رضی (۱۳۷۹). نهج‌البلاغه. قم: انتشارات دارالهجره.
۲۶. صادقی، محمد (۱۹۷۸). الفرقان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۷. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۶۲). الامالی. قم: اسلامی.
۲۸. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۹. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۴۱۲). العروه الوثقی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۱. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۰). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. بیروت: دارالهادی.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). مکارم الاخلاق. لبنان: دارالحوراء.
۳۴. طوسی، ابی جعفر محمدبن علی (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه الجعفر.
۳۵. عامرطابی، عبدالله بن احمد (۱۴۰۸). صحیفه الرضا. مترجم: ضمیری، محمدرضا. قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
۳۶. عمید، حسین (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
۳۷. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. کمالی دزفولی، علی (۱۳۶۹). قرآن و مقام زن. تهران: هادی.
۴۰. گروه محققین (۱۳۶۳). جامعه‌شناسی روش‌های درمان گروهی. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۴۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه. مترجم: شیخی، حمیدرضا. قم: دارالحديث.
۴۳. مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه (۱۳۸۵). نشاط در خانواده. نشریه صبا، ۱۹(۵)، ۴۹-۵۶.
۴۴. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب و النشر.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار. تهران: نشر صدرا.
۴۶. معاونت آموزشی قوه قضائیه (۱۳۸۷). رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های خانواده. تهران: جنگل.

۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن. قم: امام علی بن ابیطالب.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). گفتار معصومین علیهم السلام. قم: امام علی ابن ابیطالب.
۴۹. منتظری، حسین علی (۱۴۱۳). کتاب الزکات. تهران: دارالفکر.
۵۰. موسوی بجنوردی (۱۳۸۵). بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق ۱، ۲، ۱. نشریه بازتاب اندیشه، ۸۳، ۸۹-۹۲.
۵۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۷). تحریر الوسیله. بیروت: السفارة الجمهوریه الاسلامیه ایرانیه.
۵۲. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۱). قرآن و روان شناسی. مترجم: عباس، عرب. مشهد: بنیاد پژوهشگاه اسلامی.
۵۳. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرایع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۴. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام الاحیاء التراث.

